

خطبه نماز جمعه مسجد امام علی (ع) هامبورگ
امام مسجد و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا رضائی

تاریخ: جمعه ۲۰۱۰ برابر با ۱۳۸۸

مطابق با ۱۴۳۱

مکان:

Islamisches Zentrum Hamburg

Schöne Aussicht 36

22085 Hamburg

Tel: 040/ 22 12 20

موضوع: انسان شناسی از دیدگاه قرآن ۱۰ - فطرت ۵

بسمه تعالی

از مباحث پیشین این نتیجه به دست آمد که انسان از یک سری امور فطری برخوردار است که عمده آنها فطریات در شناخت، فطریات در گرایش و فطریات در توانش می باشد. در خصوص فطریات در شناخت به برخی مطالب اشاره شد و در این بحث به مسئله فطریات در گرایش ها اشاره می شود.

شکی نیست که انسان ضمن بهره مندی از امیال حسی دارای میلهای غیر حسی که از آن به گرایشهای مقدس تعبیر می شود می باشد در تعداد این گرایش ها اتفاق نظر وجود ندارد ولی عمده آنها را می توان حقیقت جوئی، میل به فضایل اخلاقی، زیبایی طلبی و پرستش و یا حس مذهبی دانست و برخی میل به زندگی اجتماعی را بر آن افزودند. چه اینکه برخی میل به جاودانه زیستن را از جمله گرایش های فطری برشمردند. به این معنا که انسان فناو نیستی را دوست نمی دارد و چه بسا علت ترس از مرگ در اغلب انسانها نیز همین باشد به هر حال

مقصود از این میل به عنوان یک میل فطری به معنای اینست که انسان دوست دارد همیشه زندگی کند و این تصور به ابدیت است که آدمیان را وادار به تلاش و کوشش برای همیشه می نماید البته اگر مقصود از میل به جاودانگی همان میل به بقاء باشد باید گفت چنین میلی از امیال فطری نیست بلکه از امیال غریزی و مشترک بین انسان و حیوان است .

عشق به مبدأ عالم و گرایش به خداوند متعال از مهم ترین و اصیل ترین گرایش های فطری انسان است که این عشق را ثمرهء « عشق به کمال مطلق » می دانند توضیح مطلب اینکه گرچه ظاهراً انسان ها به دنبال چیزهای گوناگون هستند اما در واقع همه آنها به یک چیز برمی گردد و آن کمال مطلق است لذا انسانی که به دنبال زیبایی و جمال است وقتی جمال و زیبایی را در کسی یافت، به او دل می بندد اما اگر پس از مدتی شخص زیباتری را ببیند به او یا به هر دو دل می بندد و به همین ترتیب هر عشقی تا زمانی ادامه دارد که شخص زیباتری در کار نباشد . این شخص در واقع به دنبال جمال و زیبایی مطلق می باشد و این در واقع میل فطری است و البته مشکلی را که با آن مواجه هست اینکه نمی داند جمال و زیبایی مطلق از برای چه کسی است.

البته میل فطری « اطاعت از محبوب » « مناجات با او » ، « استعانت از او » ، « توکل و تکیه کردن بر او » و مانند اینها ، گونه های مختلف ارتباط فطری با خداست که همه آنها با « خداگرایی فطری » متفاوت است و باید با دقت این مطلب را درک نمود .

و از امور فطری دیگر توانشها است که مخصوص انسان است که از جمله از آنها را می توان توانایی یادگیری و درک را اشاره نمود زیرا این توانائی ویژه انسان است و با هیچ موجود دیگری قابل مقایسه نیست زیرا انسان است که می تواند مفاهیم پیچیده کلی سازی مفاهیم توسط عقل و تجزیه و تحلیل جزئیات و رسیدن به قوانین کلی ، فرمول ها و محاسبات پیچیده و ریاضیات ، جبر و هندسه و شناخت حقایق جهان هستی را درک نماید و از آن تفسیر کلی ارائه دهد چه اینکه آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره بقره که به بیان تعلیم اسمای الهی پرداخته به این توانش اشاره کرده به گونه ای که حتی فرشته های الهی نیز از آن برخوردار نبوده اند .

و از جمله این توانشها را می توان توانایی غلبه بر نفس و خواهش های درونی دانست به این معنا که انسان می تواند بر خلاف خواسته های درونی خود تصمیم بگیرد و عمل کند و به

همین دلیل از دیدگاه قرآن ، انسانی که تسلیم خواهش های غریزی خود است و برای مقابله با آن هیچ اقدامی نمی کند از حیوانات نیز پست تر^۱ و بلکه از هر جنبه ای شریتر است^۲ و دلیل این امر هم روشن است زیرا انسان دارای عقل و گرایش های متعالی است و می تواند از این توانمندی برای رشد خود بهره جوید. و با خواهش های نفسانی مقابله نماید و به تعبیر دقیق قوه های شهوت و غضب خود را تعدیل نماید و زمینه رشد و شکوفائی خود را فراهم سازد .

خلاقیت و نوآوری را نیز می توان از فطریات توانش برشمرد و با همین نگاه است که هیچ گاه زندگی انسان دچار تکرار نخواهد شد و به همین جهت می توان انسان را مخلوق خلاق دانست .

دیگر توانش فطری انسان را می توان سخنگویی ، تصمیم و تفاهم دانست و این توانایی به مجموعه ای از توانایی ها مانند تفکر ، نماد سازی ، لغت سازی و تکلم، باز می گردد. و نیز از مهمترین امور فطری در توانش انسان را می توان توانایی قرب ربوبی برشمرد به این معنا که انسان توانایی رسیدن به مراتب قرب حضرت پروردگار را داراست به حدی که به چیزی غیر از حضرت حق مشغول نخواهد بود و هر لحظه در فکر بالا بردن قرب و منزلت خود به سوی خدای محبوب را دارد و با همت و تلاش و افزایش ایمان چنین زمینه را بر خود فراهم خواهد نمود .

۱ " أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ " اعراف / ۱۷۹
۲ " إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ " انفال / ۵۵